



سیاست

پایان تاریخ در خاورمیانه

تغییرات در کنشگران عربی

مترجم: هادی قربانیار

کنشگران عربی باید بدانند که سازگاری و انعطاف‌پذیری به جای توجه به قدرت صرف عامل تعیین‌کننده موفقیت کشورهایشان خواهد بود همان‌گونه که در سه دهه گذشته مشخص شده هیچ نظامی نه کمونیسم شوروی نه لیبرالیسم غربی مدنظر فوکویاما بدون اصلاح و مرمت مداوم قابل دوام نیستند. در این راستا، جان آلترمن، معاون ارشد «زیگنیو برژینسکی» مشاور امنیت ملی اسبق آمریکا و مدیر برنامه‌های خاورمیانه در «مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی» سرمقاله‌ای با عنوان «پایان تاریخ در خاورمیانه» منتشر کرد که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

در تابستان سال 1989، یک دانشمند سیاسی جوان، با این اعلام جسورانه که پیروزی غرب بر اتحاد جماهیر شوروی¹ در جنگ سرد،² پایان تاریخ است، واشنگتن را متحیر کرد. فرانسیس فوکویاما،³ در فروپاشی کمونیسم، «پایان یافتن کامل جایگزین-های سیستماتیک عملی برای لیبرالیسم» را دید. او کامیابی لیبرالیسم را «نقطه پایانی تکامل



ایدئولوژیک بشر و همگانی سازی دموکراسی لیبرال غرب را، شکل غایبی حکومت بشر می‌دانست." بسیاری از دولت‌های عربی کنونی معتقدند که آنها نیز اکنون به نقطه‌ای مشابه از شفافیت رسیده‌اند. ولی در واقع در موضعی متفاوت مستقر شده‌اند. آنها هنوز تحت تأثیر تبعات جنبش بهار عربی قرار دارند. نقطه تلاقی و هم‌گرایی این دولت‌ها، الگویی است که استبداد را با یک شبکه امنیت اجتماعی، محدودیت‌های شدید بر آزادی دینی، یک فضای اجتماعی بیشتر لیبرال و یک بخش خصوصی سرزنده‌تر ترکیب می‌کند. می‌توان این الگو را «اجماع شورای همکاری خلیج فارس»⁴ نامید اما

¹ Soviet Union

² Cold War

³ Francis Fukuyama

⁴ GCC



داشته‌اند و با کمک اینفلوئنسرها، استوری‌های مثبتی منتشر می‌کنند که توجه جوانان را جلب می‌کند. همچنین گفته شده است که آن‌ها در زمینه‌های رأی‌گیری، گروه‌های کانونی و تحلیل احساسات در شبکه‌های اجتماعی، سرمایه‌گذاری کرده‌اند و از این طریق، تأثیرات گفتار و رفتار خود را می‌سنجند تا اقداماتشان را بر آن اساس تنظیم کنند. احتمالاً سرویس‌های امنیتی نیز شبکه‌های اجتماعی و ارتباطات الکترونیک و نیز اینترنت را رصد می‌کنند. آن‌ها از این عرصه با یک انرژی روزافزون مراقبت می‌کنند.

به‌علاوه، چندین دولت سیاستی را در پیش گرفته‌اند که تقریباً شبیه به اجبار برای پذیرش و تحمل اجتماعی است. طرح پلیس دینی در عربستان سعودی عقیم ماند و دولت اقدام به ترویج کنسرت‌های عمومی، سینماها و اجتماعات عمومی نمود. رئیس‌جمهور سوسیسی⁵ تلاش ویژه‌ای برای پذیرش و توسعه کلیسای قبطی⁶ در مصر انجام داد. امارات متحده عربی در حال ساخت مجموعه‌ای در ابوظبی است که شامل یک مسجد، کلیسا و صومعه است. همچنین این کشور از ساخت اولین عبادتگاه مورمون‌ها⁷ در محل نمایشگاه اکسپو⁸ دبی 2020

حوزه عملی آن از تانزانیا تا اردن و فراتر از آن را در برمی‌گیرد.

اجماع شورای همکاری خلیج فارس، واکنشی بود به مجموعه‌ای واقعی از مشکلات. با اینکه در اوایل این قرن، رادیکالیسم یک نیروی اقلیت در جهان عرب به شمار می‌رفت اما همچنین نیرویی در حال رشد نیز محسوب می‌شد که توسط جوانانی که سال‌های متمادی بین فارغ‌التحصیلی و ورودشان به بازار کار را بی‌هدف گذرانده بودند، تشدید گردید. گروه‌های جهادی نه تنها به جوانان، پرداخت دستمزد و نوعی حس تعلق می‌دادند بلکه از غربت و بیگانگی که بسیاری از آن‌ها احساس می‌کردند نیز سخن می‌گفتند. اقتصادهای ضعیف، مایه ناامیدی هستند، چون تعداد جوانانی که به دنبال استخدام دولتی‌اند، بیشتر از ظرفیت‌های استخدامی دولت است. از هر نظر، نهاد دینی، یک شریک غیرقابل اطمینان در مقابله با افراط‌گرایی بوده است و در بسیاری از موارد، نه تنها عدم تحمل را پذیرفت بلکه در واقع به سمت آن تشویق کرد. با پدیدار شدن بحران مسئله انتقال انرژی، به نظر می‌رسد که شرایط گسترده‌تر اقتصادی آماده‌دشواری‌تر شدن، هستند.

بخشی از این اجماع جدید، تعهد برای جدی گرفتن مسئله جوانان است. بسیاری از دولت‌های منطقه، عملکردهای حرفه‌ای در زمینه شبکه‌های اجتماعی

⁵ Sisi

⁶ Coptic Church

⁷ Mormon

⁸ Expo



پابرجا نگه داشته است - شکافها به سرعت پدیدار می‌شوند. مشکلات اساسی، هیچ دستاوردی نداشتند و محافظه‌کاران نیز به نتیجه مطلوب خود نرسیده‌اند ولی باین وجود دیدگاه‌های آنها جذابیت دارد. دولت‌ها همچنان تلاش دارند تا مردم را از پویایی در زندگی محروم سازند. در سوی دیگر، رهبران مسئولیت نظارت بر رفتار و زیاده‌روی‌هایشان را خودشان به عهده گرفته‌اند. این نظام‌های مدرن‌تر، به جای ترویج بهبودپذیری، تلاش می‌کنند تا مکانیزم‌هایی که آسیب‌های فاجعه‌بار آنها بر توسعه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خاورمیانه اثبات شده است را حفظ کنند. به نظر می‌رسد که حقیقت، جایی بین این دو مسیر افراطی قرار داشته باشد. قطعاً صحیح است که دولت‌های عربی غالباً اقتصادهای خود را خفه و سرکوب کرده‌اند و فضای زیادی را در اختیار نیروهای دینی قرار داده‌اند تا راه خود را به سمت سلطه اجتماعی با زورگویی هموار سازند. برخی از اقدامات و تحرکات جدید، ضروری و خوشایند هستند. همچنین این صحیح است که تلاش حکومت‌ها برای حفظ کنترل و سلطه، تهدیدی برای نوآوری است و مانع بازنگری رفتارهای معیوب و ناقص می‌شود. وقتی هیچ حد و مرزی وجود ندارد، دولت‌ها پا را از حد خود فراتر می‌گذارند؛ جایگاه "شهریاران فیلسوف" مشتاق، در قرن بیستم ارتقاء یافت اما آنها بیشتر گرایش‌ها و

(بعد از اتمام نمایشگاه) استقبال کرد. دولت‌های منطقه به شکلی فزاینده تلاش می‌کنند تا خطابه‌های مساجد را مکتوب کنند. به ندرت با این‌گونه اقدامات، مخالفت آشکاری صورت می‌گیرد.

از یک منظر می‌توان گفت که این اقدامات با تأخیری طولانی در حال انجام هستند. بر اساس این روایت، نیروهای محافظه‌کار برای مدت نیم‌قرن در خاورمیانه، قدرت را در اختیار داشته‌اند و پلورالیسم را تا حد ممکن تضعیف کردند و هم‌زمان، دیدگاه‌های خود را نیز بر نسل جدید تحمیل نمودند. در طول این فرآیند، خاورمیانه درگیر خشونت و آشوب شد. بسیاری از خوش‌آتیه‌ترین جوانان، به فکر مهاجرت افتادند و اقتصادها را کد و ضعیف شدند. اسلام سیاسی، نشان داد که یک بن‌بست است و بروکراسی‌های ملال‌آور دولتی، بسیار فراتر از نقطه تحمل‌پذیری، گسترش یافتند. اقدامات جدید باعث خواهد شد تا دولت‌ها سریع‌تر و چابک‌تر گردند و کشورهایی که هدایت می‌کنند بهبودپذیرتر شوند.

بر اساس نگرشی دیگر، می‌توان گفت که این اقدامات صرفاً در راستای جایگزین ساختن گونه‌های قدیمی استبداد با انواع مدرن‌تر آن است. در این تحلیل، نظام‌های جدید، بیشتر از قدیمی‌ها، بهبودپذیر و یا بادوام نیستند و با کاهش رانت - نه حداقل درآمدهای هیدروکربنی که دهه‌ها منطقه را



رفتار افراطی را به وجود آوردند که منتهی به نظام-
هایی شکست خورده شد. موسولینی^۹، استالین^{۱۰}،
پرون^{۱۱}، خمینی و چاوز^{۱۲} همگی از جای دیگر تأثیر
گرفته بودند. چین زمانی شکوفایی پیدا کرد که
سیاست، یک گام بزرگ به جلو^{۱۳} و انقلاب
فرهنگی^{۱۴} مائو زدونگ^{۱۵} را کنار گذاشت.

دولت‌های منطقه لازم است بدانند که سازگار شدن
و انعطاف‌پذیری، به جای قدرت صرف، تعیین‌کننده
موفقیت کشورهاشان است. همان‌گونه که سه دهه
گذشته نشان داده است. هیچ نظامی - نه کمونیسم
شوروی و نه لیبرالیسم غربی فوکویاما - بدون
حفاظت دائمی، پایدار نخواهد بود. تاریخ در سال
1989 به پایان نرسید و اکنون نیز به پایان نخواهد
رسید. تواضع، در حکومت‌داری به اندازه قدرت،
اهمیت دارد.

منبع:

<https://www.csis.org/analysis/end-history-middle-east>



⁹ Mussolini

¹⁰ Stalin

¹¹ Peron

¹² Chavez

¹³ Great Leap Forward

¹⁴ Cultural Revolution

¹⁵ Mao Zedong